

## مطالعه نگرش جوانان به ازدواج و ارتباط آن با ترجیحات ارزشی، دین‌داری و شیوه‌های فرزندپروری (مورد مطالعه: جوانان استان آذربایجان غربی)<sup>۱</sup>

حسین هنرور (استادیار جامعه‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران)

[h.honarvar@iaurmia.ac.ir](mailto:h.honarvar@iaurmia.ac.ir)

ابراهیم محمدپور (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

[e.mohammadpour70@gmail.com](mailto:e.mohammadpour70@gmail.com)

### چکیده

طی دهه‌های اخیر، تغییر ارزش‌های فرهنگی در روند گذار از سنت به مدرنیته به نوبه خود موجبات تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های فردی جوانان را فراهم آورده است و نگرش جوانان در سال‌های اخیر نسبت به امر ازدواج تغییرات گسترده‌ای کرده است. بر همین اساس، تحقیق حاضر با هدف بررسی نگرش جوانان نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه، جوانان استان آذربایجان غربی) نگاشته شد. روش تحقیق از نوع پیمایشی بوده و جامعه آماری شامل جوانان ارومیه، خوی، میاندوآب و پیرانشهر است که ۸۳۲ نفر از آن‌ها به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، انتخاب شده‌اند. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه جمع‌آوری و با استفاده از SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که میزان نگرش به ازدواج در میان پاسخ‌گویان پایین‌تر از سطح متوسط است. براساس نتایج روابط دو متغیره نیز، متغیرهای فردگرایی (به صورت منفی)، مادی‌گرایی (به صورت منفی)، دین‌داری (به صورت مثبت)، شیوه استبدادی فرزندپروری (به صورت منفی)، شیوه آزادگذاری مطلق فرزندپروری (به صورت منفی) و اقتدار منطقی در فرزندپروری (به صورت مثبت) تأثیر معناداری بر نگرش به ازدواج دارند، اما رابطه میان

۱. این مقاله برگرفته از طرح «نگرش جوانان نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه، جوانان استان آذربایجان غربی)» اداره ورزش و جوانان استان آذربایجان غربی می‌باشد.

پایگاه اقتصادی-اجتماعی، سن و جنس با نگرش به ازدواج معنادار نشد. از میان متغیرهای مذکور، بیشترین تأثیر را به ترتیب متغیرهای شیوه فرزندپروری آزادانه (۰/۳۹-)، مادی‌گرایی (۰/۳۷-)، فردگرایی (۰/۳۱-)، فرزندپروری منطقی (۰/۲۲)، فرزندپروری مستبدانه (۰/۲۱-) و دین‌داری (۰/۲۰) بر نگرش به ازدواج دارند. در مجموع، متغیرهای مذکور در مدل رگرسیون توانسته‌اند ۳۲ درصد از تغییرات نگرش به ازدواج را تبیین نمایند.

**کلیدواژه‌ها:** نگرش به ازدواج، ترجیحات ارزشی، دینداری، شیوه‌های فرزندپروری، آذربایجان غربی.

#### ۱. مقدمه

خانواده، همواره پایدارترین و مؤثرترین وسیله حفظ ویژگی‌های مشخص فرهنگی و اصلی‌ترین انتقال‌دهنده ارزش‌های فرهنگی و عمده‌ترین الگوی رفتاری به نسل‌های بعدی بوده است. در دهه‌های اخیر نیز تحت تأثیر فرایند جهانی‌شدن و افزایش ارتباطات، بستر بروز تغییر و تحولاتی همچون هسته‌ای‌شدن خانواده، افزایش طلاق، افزایش همخانگی، کاهش فرزندآوری، بالا رفتن سن ازدواج و فردی‌شدن خانواده فراهم شده است. (توماس،<sup>۱</sup> ۲۰۱۳، ص. ۱۷۲؛ کالوگرایی،<sup>۲</sup> ۲۰۰۹، ص. ۱۶۱؛ جورجاس،<sup>۳</sup> ۱۹۸۹، ص. ۸۱؛ گیلیز،<sup>۴</sup> ۲۰۰۳، ص. ۷۵؛ بک و بک-گرنشهایم،<sup>۵</sup> ۲۰۰۱، ص. ۱۰۵؛ گیدنز،<sup>۶</sup> ۱۹۹۲، ص. ۱۷۴).

با ورود جوامع به دوران مدرنیته و به موازات تغییرات اجتماعی، بسیاری از ارزش‌ها دستخوش دگرگونی شده و ارزش‌های جدیدی جایگزین آن‌ها گردیده است. به طوری که تحولات تکنولوژیکی ارتباطات و نقش وسایل ارتباط جمعی در تغییر جهت‌گیری‌های

- 
1. Tomas
  2. Kalogeraki
  3. Georgas
  4. Gillies
  5. Beck & Beck-Gernsheim
  6. Giddens

ارزشی و تمایلات جوانان، موجب گردیده جوانان بیش از پیش از مکان، تاریخ و سنت‌های خودشان جدا شده و در گستره زمانی و مکانی سیال شوند» (رازقی نصرآباد و فلاح‌نژاد، ۱۳۹۶، ص. ۶۸).

یکی از عمده‌ترین تغییرات رخ داده در نظام خانواده، در زمینه ازدواج و الگوهای همسرگزینی است. از مهم‌ترین این تغییر و تحولات، می‌توان به کاهش تمایل جوانان به ازدواج، افزایش گزینش‌گری جوانان در انتخاب همسر، رواج شیوه‌های نوین ازدواج همچون همخانگی و ازدواج اینترنتی اشاره نمود (عدلی‌پور، ۱۳۹۸، ص. ۱۷؛ آزاد ارمکی، شریفی ساعی، ایثاری، و طالبی، ۱۳۹۱، ص. ۴۵). در واقع، ارزش‌های جدیدی که امروزه در بین جوانان به وجود آمده رویکرد یا پارادایم آن‌ها را درباره موضوعات مختلف اجتماعی تغییر داده است. این دگرگونی‌ها، نگرش جوان را به ازدواج به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی، تغییر داده و باعث شده است که فرد در نوع نگرش و چگونگی تصمیم‌گیری برای ازدواج دچار تغییر و تردید شود» (رازقی نصرآباد و فلاح‌نژاد، ۱۳۹۶، ص. ۶۸).

همچنین، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مدرنیته، نوع نگاه به دین می‌باشد. تا قبل از این بسیاری از سؤالات بشر را دین پاسخ می‌گفت، اما مدرنیته موجبات شناخت و تفسیر علمی را پدید آورده است. به همین دلیل صاحب‌نظران پیش‌بینی می‌کردند که مدرنیته موجبات افول دین را فراهم آورد (آزاد ارمکی و زارع، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۴). همچنین، با عبور از دوران سنتی به عصر مدرنیته، شیوه‌های فرزندپروری هم دچار تغییرات زیادی شده است، به طوری که در گذشته فرزندپروری تنها توسط والدین و خانواده صورت می‌گرفت، اما در عصر نوین شیوه‌های فرزندپروری دچار تغییر شده و خانواده‌ها جایگاه خود را در فرزندپروری از دست داده‌اند. این فرآیند علاوه بر اینکه توانسته نهاد خانواده را از لحاظ ساختاری دچار استحاله نماید، کارکردهای آن را نیز تغییر قرار داده است.

تغییرات ارزش‌ها و متعاقب آن تغییر نگرش جوانان نسبت به ازدواج مانند هر تجربه بشری دیگر، می‌تواند از ابعاد مختلف تحت تأثیر بسیاری از عوامل اجتماعی، اقتصادی،

سیاسی و فرهنگی باشد. یافته‌های پژوهش‌های صورت گرفته بیانگر آن است که تغییر نگرش جوانان ایرانی به ازدواج متأثر از عواملی چون مدرنیزاسیون، جهانی‌شدن، مصرف رسانه‌ای، مصرف فرهنگی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، تحصیلات، ترس از آینده، فرسایش اعتماد اجتماعی و غیره است (عدلی‌پور، ص. ۲۷؛ کاوه فیروز و صارم، ۱۳۹۶، ص. ۷۳؛ یادگاری، ۱۳۹۵، ص. ۸؛ نیازی، شاطریان، و شفائی مقدم، ۱۳۹۴، ص. ۵۰). بدین جهت، علیرغم اهمیت تغییرات ساختاری در تبیین تحولات ازدواج و خانواده، مطالعات مختلف نشان داده است که مدرنیزاسیون و تغییرات ساختاری مرتبط با آن برای درک و تبیین فرایند تغییرات ازدواج کافی نیست و در مقابل، نقش عوامل فرهنگی، ارزش‌ها و نگرش‌ها نظیر تغییرات ارزشی و شیوه‌های فرزندپروری روزبه‌روز برجسته‌تر شده است و ارزش‌ها و نگرش‌ها در شکل‌گیری کنش‌های فردی و اجتماعی اهمیت فزاینده‌ای دارند (صادقی و رضایی، ۱۳۹۸، ص. ۲).

ضرورت مطالعه این مسئله تا آنجایی است که نتایج بسیاری از تحقیقات انجام‌شده در جامعه ایران، حاکی از تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان بخصوص جوانان است، تا آنجایی که برخی معتقدند ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در حوزه‌های نهاد خانواده، ازدواج و همچنین پایداری خانواده در حال شکل‌گیری مجدد است. از آنجایی که در جامعه ایران، گسست و ناپایداری در خانواده را جز به ضرورت و از روی ناگزیری و ناگزیر، جایز، روا، مقبول و پذیرفتنی نمی‌دانند و آن را روا نمی‌شمارند، می‌توان ناپایداری خانواده در جامعه ایرانی را به عنوان یک مسئله اجتماعی قلمداد کرد (افشارکهن و رضائیان، ۱۳۹۷، ص. ۲۹۵). همچنین، دقت در آمارهای مربوط به ازدواج استان آذربایجان غربی نیز حاکی از آن است که نگرش به ازدواج و به تبع آن میزان گرایش به ازدواج کاهش یافته است. طبق آمارهای رسمی، بررسی آمار ازدواج استان آذربایجان غربی در بازه زمانی کوتاه مدت سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ حاکی از کاهش رویداد ازدواج در بین ساکنان استان آذربایجان غربی همچون کل کشور است. همچنین، آمار ارائه شده در استان آذربایجان غربی از بررسی توزیع سنی ازدواج

بر حسب گروه‌های سنی ۵ ساله زنان و مردان، نشان می‌دهد که بیشترین تعداد ازدواج مردان در گروه سنی ۲۹-۲۵ سال و بیشترین فراوانی ازدواج ثبت شده برای زنان با گروه سنی ۲۴-۲۰ سال می‌باشد. این امر بیانگر این است که به تبع نامناسب بودن نگرش به ازدواج، سن ازدواج نیز در سطح استان آذربایجان غربی بالا رفته و جوانان رغبت کمتری به ازدواج دارند. همچنین، جمعیت جوان استان آذربایجان غربی در نتیجه واقع شدن در معرض جهانی شدن و رسانه‌های برون مرزی و فضای مجازی، در پی تجدید و بازاندیشی<sup>۱</sup> در ارزش‌ها و نگرش‌های پیشین خود و مرسوم جامعه، برآمده، بر همین اساس ضرورت تحقیق و پژوهش در این حوزه بیش از پیش احساس می‌گردد. بنابراین، مطالعه حاضر در پی شناخت نگرش‌های جوانان استان آذربایجان غربی به ازدواج و عوامل تأثیرگذار (دین‌داری، شیوه‌های فرزندپروری و ترجیحات ارزشی) بر نگرش آن‌ها نسبت به ازدواج است. بر این اساس، پرسش پژوهش حاضر این است که آیا نگرش جوانان به ازدواج با تغییرات ارزشی و شیوه‌های فرزندپروری والدین ارتباط دارد؟

## ۲. مبانی نظری تحقیق

### ۲.۱. پیشینه تحقیق

گروسی و یاری‌نسب (۱۳۹۹)، در تحقیق خود به این نتایج رسیده بودند که ارتباط معناداری بین سن، تحصیلات، فردگرایی، دین‌داری، میزان استفاده از وسایل ارتباطی، نحوه گذران اوقات فراغت، نگرش جنسیتی و اعتماد اجتماعی با ارزش ازدواج وجود داشت. نتایج تحقیق بشیری خطیبی، باصری، راد، و هاشم زهی (۱۳۹۹)، نشان داده تجردگزینی و شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گرایی آن، الگوی پارادایمی این تحقیق بوده است. در نهایت مشخص شد براساس الگوی کشف شده، مسائلی از قبیل کاهش رشد شخصی ادراک شده، بی‌اعتنایی به ازدواج، دوسوگرایی در ازدواج (مانند ترس و نگرانی از آینده)، تأخیر در سن

ازدواج، وسواس در انتخاب، احساس ناتوانی احساسی و عاطفی در تجردگزینی جوانان مؤثر بوده‌اند.

صباغچی، عسکری ندوشن، و ترابی (۱۳۹۶)، در پژوهش خود نشان دادند که تفاوت‌های نگرشی زنان شهر یزد به ابعاد مختلف ازدواج و تشکیل خانواده، برحسب متغیرهای زمینه‌ای (نظیر سن و وضعیت تأهل) مستقل از تأثیر عوامل و متغیرهای فرهنگی و ارزشی چندان چشمگیر نیست. در مقابل، متغیرهایی نظیر فردگرایی، خود تحقق‌بخشی و سرمایه فرهنگی اهمیت نسبی بیشتری در تبیین این تفاوت‌های نگرشی ایفا می‌کنند.

یافته‌های پژوهش کاوه فیروز و صارم (۱۳۹۶) بیانگر آن بود که بین سه مؤلفه موفقیت یا شکست یکی از اعضای خانواده در ازدواج، میزان پایبندی به اعتقادات مذهبی خانواده، جنسیت و نگرش به ازدواج رابطه معناداری وجود دارد، اما بین سه مؤلفه میزان تبعیت فرزندان از والدین، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، محل سکونت و نگرش به ازدواج رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج تحقیق آقاسی و فلاح مین‌باشی (۱۳۹۴) حاکی از آن بود که رشد فزاینده تحصیلات آکادمیک، تغییر نگرش جوانان درباره ازدواج، فشارهای اقتصادی، سبک زندگی فردگرایانه و لذت‌طلبانه، افزایش سطح توقع پسران و دختران از مهم‌ترین موارد تعیین‌کننده و تأثیرگذار در نگرش جوانان به تشکیل خانواده و ازدواج می‌باشد.

نیازی، شاطریان، و شفائی مقدم (۱۳۹۴) در پژوهش خود به این یافته رسیده بودند که بین متغیرهای خانواده، وضعیت اقتصادی، افزایش توقعات، بیکاری، سنگینی مخارج ازدواج، انحرافات اجتماعی و اخلاقی، کارکرد نامناسب رسانه‌ها، ترس از آینده و تضعیف باورهای دینی با متغیر نگرش منفی به ازدواج رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج تحقیق وانگ و یانگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۹)، بیانگر آن بود که تایوان از اواخر قرن بیستم تغییرات جمعیتی قابل توجهی، از جمله کاهش میزان باروری، افزایش امید به زندگی، به

1. Wang and & Yang

تعویق انداختن ازدواج و فرزندآوری، کاهش میزان ازدواج و افزایش طلاق را تجربه کرده است.

باهنا و روپا (۲۰۱۵)، به این نتیجه رسیده بودند که زنان نگرش مطلوبی به ازدواج و روند تغییرات آن داشتند. در حالی که مردان نگرش میانه و حتی نامطلوبی به ازدواج و روند تغییرات آن داشتند. همچنین، تفاوت معناداری بین نگرش زنان و مردان در مورد روابط جنسی، الگوی (نوع) ازدواج، معیارهای انتخاب شریک زندگی و انگیزه‌های خاص برای ازدواج موفق وجود داشت (نیکخواه و همکاران، ۱۳۹۶).

یافته‌های پژوهش ماکیکو<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) بیانگر آن است که استقلال اقتصادی زنان به خودی خود جذابیت ازدواج را کاهش نمی‌دهد، اما تعارض بین کار و زندگی خانوادگی، آرمان ازدواج زنان را کاهش می‌دهد.

نتایج پژوهش گابرن اسکایا<sup>۲</sup> (۲۰۱۰)، نشان داده بود که مطابق ایده نهادینه شدن ازدواج و نظریه گذار جمعیتی دوم، افکار عمومی در این کشورها در حال دور شدن از هنجارهای سنتی ازدواج است. این تغییرات به‌طور عمده بین نسلی هستند. در همه کشورها، زنان مجرد و دارای تحصیلات بالاتر، شاغل و افراد سکولار، دیدگاه مدرن‌تری نسبت به ازدواج و فرزند داشتند.

چو و لوم<sup>۳</sup> (۲۰۰۸)، در مطالعه‌ای به بررسی روند ارزش‌ها و نگرش‌های ازدواج در هنگ‌کنگ پرداختند که یافته‌های آنان نشان داد سن، جنس، مکان جغرافیایی و موقعیت اقتصادی - اجتماعی از عوامل مؤثر در نگرش‌های مدرن در ازدواج هستند.

---

1. Makiko

2. Gubernskaya

3. Chow & Lum

## ۲.۲. چارچوب نظری تحقیق

اینگلهارت<sup>۱</sup> با طرح نظریه «دگرگونی‌های ارزشی» به واکاوی تغییرات و تحولات فرهنگی و ارزش‌ها و نگرش‌های جوامع پرداخته است. اینگلهارت عقیده دارد که در دهه‌های اخیر میزان حمایت از هنجارهای سنتی فرهنگی کاهش یافته است و پیامدهای آن در کاهش ازدواج تظاهر یافته است. در سرتاسر جامعه پیشرفته صنعتی، شواهدی دال بر فاصله میان مردم و هنجارهای فرهنگی و مذهبی سنتی وجود دارد (رازقی و فلاح‌نژاد، ۱۳۹۶، ص. ۷۱). زوال ظاهری هنجارهای اجتماعی و مذهبی سنتی با تحول از ارزش‌های مادی به فرامادی در ارتباط است (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ص. ۲۳۴). از دید وی، فرامادیون کمتر ازدواج می‌کنند و کمتر به داشتن فرزند علاقه دارند (همان: ۹۹).

اینگلهارت در نظریه‌پردازی خویش دو فرضیه پیش‌بینی‌کننده می‌آورد که دگرگونی ارزش‌ها را روشن می‌سازد:

الف) فرضیه کمیابی<sup>۲</sup>: ارزش‌های بنیادین فرد، بازتاب محیط اجتماعی و اقتصادی او است و فرد بالاترین ارزش را به چیزی می‌دهد که عرضه آن برایش کم است.

ب) فرضیه جامعه‌پذیری<sup>۳</sup>: ارزش‌های بنیادین فرد، بازتاب گسترده شرایط و فرایند جامعه‌پذیری وی است که در سال‌های پیش از بلوغ تجربه کرده است و دگرگونی در شرایط پیرامون نیازمند سازگاری سریع اولویت‌های ارزشی افراد با آن نیست. بنابراین، در این دیدگاه فرضیه کمیابی به دگرگونی‌های کوتاه‌مدت و فرضیه جامعه‌پذیری به آثار بلندمدت نسلی اشاره می‌کند. بر پایه این دو فرض، اینگلهارت نوعی سنخ‌شناسی اولویت ارزشی ارائه می‌کند و افراد را در پاره‌ای از اولویت‌های مادی گرایانه و فرامادی گرایانه قرار می‌دهد. ارزش‌های فرامادی گرایانه، نشان‌دهنده نوعی احساس امنیت ذهنی فرد است و سطح توسعه اقتصادی و احساس امنیت فرد تحت تأثیر زمینه فرهنگی و رفاه اجتماعی نهادهایی است که

1. Inglehart

2. Scarcity Hypothesis

3. Socialization Hypothesis



او در آن رشد کرده است. بنابراین، فرضیه کمیابی باید از سوی فرضیه جامعه‌پذیری پشتیبانی شود. ساختار بنیادی شخصیت افراد پیش از بلوغ شکل پیدا می‌کند و پیش از آن بسیار زیاد دگرگون می‌شود. بدین‌سان، در این فرایند آنچه بیش تأثیری ماندگار دارد و بهتر می‌تواند نماینده ارزش‌ها و نگرش‌های افراد بوده باشد، فرض جامعه‌پذیری است.

این‌گلهارت فرامادی‌گرایان را افرادی می‌داند که در دوران ساخت شخصی‌شان (قبل از بلوغ) امنیت مالی و جانی (امنیت سازنده)<sup>۱</sup> داشته‌اند و گرایش‌های اجتماعی و ارزشی فرامادی‌گرایانه دارند، چراکه امنیت مادی و جانی را مسلم می‌دانند. بنابراین، یک رشته از نیازهای دیگر همچون شکوفایی و عشق و دوست داشتن را که نیازهای سطح بالا هستند، برای خود مطرح می‌کنند. این‌گونه افراد به‌گزینش و استقلال فردی اهمیت زیادی می‌دهند و به احتمال قوی تأکیدشان بر دین و هنجارها و ارزش‌های دینی کمتر است، در برابر کسانی که به دلیل نداشتن احساس امنیت سازنده اولویت‌های مادی‌گرا دارند، امنیت مالی و جانی برایشان مهم‌تر است و تأکید بیشتری بر هنجارها و ارزش‌های دینی دارند. بنابراین، با توجه به دیدگاه نظری این‌گلهارت می‌توان گفت که مادی‌گرایان بسیار بیشتر از فرامادی‌گرایان هوادار هنجارهای سنتی و ارزش‌های دینی هستند (این‌گلهارت، ۱۳۷۳، ص. ۲۲۲).

البته گفتنی است که دین و ارزش‌ها از هم تفکیک ناپذیرند، به طوری که امیل دورکیم معتقد است دین به هر صورتی که باشد چیزی نیست جز بیان ارزش‌های اخلاقی یک اجتماع و باورداشت‌های دسته‌جمعی آن که به انسجام اجتماعی و تحکیم ارزش‌های اجتماعی کمک می‌کند. از نظر دورکیم، دین کارکردهایی نظیر اعتباربخشی، انسجام‌بخشی، تحکیم ارزش‌های مشترک، کاهش کشمکش و تقویت نظارت اجتماعی دارد (ادهمی، احمدی، و جعفری، ۱۳۹۶، ص. ۱۳۳).

به باور تریاندیس<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) برای درک رابطه بین فرهنگ و پدیده‌های روانی-اجتماعی باید ابعاد مختلف فرهنگ مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد. یکی از این ابعاد، فردگرایی و جمع‌گرایی است (تریاندیس و همکاران، ۱۹۸۸، ص. ۳۲۳). وی مفاهیم جمع‌گرایی و فردگرایی را به‌عنوان مجموعه‌ای مشخص از باورها، نگرش‌ها، هنجارها، نقش‌ها، ارزش‌ها و رفتارها در فرهنگ‌های مختلف تعریف می‌کند (ری، اولمن، و لی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶، ص. ۱۰۳۷). به نظر تریاندیس، در گرایش‌های فردگرایانه تعریف از خود، غیر وابسته و به‌صورت یک هستی جداگانه ظاهر شده و در روابط بر عقلانیت تأکید می‌شود. در این حالت افراد اختلافات شناختی زیادی را تجربه کرده و در تعیین رفتار، بیشتر بر گرایش‌های فردی تکیه می‌کنند. در مقابل به نظر او جمع‌گرایی از اصول زیر پیروی می‌کند: تعریف خود پیوسته با دیگران است، پیروی از هنجارهای درون گروه برای فرد اهمیت دارد، افراد اختلاف شناختی کمی را تجربه می‌کنند و برای آن‌ها اطاعت، وظیفه‌شناسی، هماهنگی با گروه در اولویت قرار می‌گیرد (اعظم‌زاده و توکلی، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۶).

به اعتقاد تریاندیس، در جمع‌گرایی مشارکت در بین اعضای گروه نسبت به فردگرایی، بیشتر است و همچنین در فرهنگ جمع‌گرا وابستگی والدین و کودک بر حسب مشاوره و راهنمایی‌های مکرر آن‌ها بیشتر است و این باعث شده است که منافع جمعی برای افراد مهم‌تر از منافع فردی بشود، ولی در فرهنگ‌های فردگرا، گسست عاطفی، حریم خصوصی و استقلال فردی وجود دارد (تریاندیس، بونتیمپو، و یارنال<sup>۳</sup>، ۱۹۸۸، ص. ۳۲۴). در فردگرایی برخلاف جمع‌گرایی که فرد خودش را وابسته به متن و زمینه اجتماعی می‌داند، فرد خودش را از متن جامعه جدا می‌کند/ می‌داند و از اعضای گروه مستقل است و فرد به اهداف فردی در مقایسه با اهداف جمعی اهمیت بیشتری می‌دهد و منافع فردی و آنی را مقدم بر منافع جمعی می‌داند (تریاندیس، ۱۳۷۸، ص. ۲۶۰).

---

1. Triandis

2. Ree, Uleman, Lee

3. Triandis, Bontempo, Villareal

به همین دلیل، بر اساس جهتگیری ارزشی فردگرایی و دوراهی اجتماعی، در زندگی امروزی هر عملی که میزان خوشبختی و موفقیت شخصی افراد و منافع آنی و فردی آن‌ها را بکاهد، یک تهدید محسوب می‌شود. این گروه ازدواج را برای خودشان مانعی تلقی می‌کنند که بر اساس آن نمی‌توانند به خواسته‌های خودشان برسند. بر این اساس، امروزه جوان‌ها به طور مرتب، از ارزش‌های والدین خود و مسئولیت‌های اجتماعی و خانوادگی خود بخاطر ارضای نیازهای فردی خودشان فاصله می‌گیرند، اما افرادی که دارای جهتگیری ارزشی جمع‌گرایی هستند در زمینه فعالیت‌های اجتماعی نظیر ازدواج، نگرش مثبتی را از خود نشان می‌دهند (هارپر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰، ص. ۲۲).

دارلینگ و استیبرگ<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) سبک فرزندپروری را به‌عنوان فضا و جو عاطفی تعدیل‌کننده تأثیرات رفتارهای والدین تعریف می‌نمایند. بامریند<sup>۳</sup> (۱۹۹۱) نیز سبک‌های فرزندپروری را معیارها و مطالباتی که توسط والدین برای فرزندان‌شان تعیین می‌شوند، تعریف می‌کند که دربرگیرنده واکنش‌های آن‌ها برای ارتباط با فرزندان‌شان است (پونگ، هاو، و گاردنر<sup>۴</sup>، همکاران، ۲۰۰۵، ص. ۹۳۰).

سبک‌های فرزندپروری نقش مهمی در رشد روانی و پیشرفت‌های اجتماعی فرزندان، روابط خانوادگی، موفقیت‌های تحصیلی، توانایی تصمیم‌گیری، اعتماد بنفس، اعتماد و نگرش مثبت به دیگران، رفتارهای مشارکتی و تعاونی صلاحیت اجتماعی دارند (چن، ۲۰۰، ص. ۴۰۴). حتی اندیشمندان این حوزه بر این باورند که شیوه‌های پرورش کودک تأثیر مهمی در نقش‌های فردی در ازدواج دارد. در واقع، نگرش نسبت به خود و دیگران تحت تأثیر خانواده می‌باشد؛ یعنی افراد الگوهای شناختی، رفتاری و عاطفی خود را از محیط خانواده می‌گیرند و

- 
1. Harper
  2. Darling & Steiberg
  3. Baumrind
  4. Pong, Hao & Gardner

محیط خانواده بر عزت نفس، انتظارات، نگرش‌ها و رفتارهای بین فردی افراد نسبت به مسائل مختلف تأثیر می‌گذارد (نیکخواه، فانی، و اصغریور ماسوله، ۱۳۹۹، ص. ۱۰۰). بامریند در دهه ۱۹۷۰ در نظریه نگرش‌های خانواده، پرورش کودک در اوان کودکی را به سه نوع تقسیم می‌کند: مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه یا آزادانه. بعداً به این روش‌ها روش چهارمی به نام روش غیردرگیر نیز اضافه شده است. این چهار سبک با پذیرش و مسئولیت از یک سو و تقاضا و کنترل از سوی دیگر سر و کار دارد. و هر کدام منعکس‌کننده دیدگاه‌های متفاوت والدین در مورد ارزش‌ها، اعمال و رفتارهای فرزندپروری است. این چهار سبک با سطوح متفاوت پذیرش، ارتباط، استدلال و کنترل (سخت‌گیری) والدین تعریف می‌شوند (بامریند<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱: ۱۱). سخت‌گیری والدین اغلب به‌عنوان انتظارات بالا و ثابت والدین از رفتار فرزندان‌شان تعریف می‌گردد. رنکین<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) سخت‌گیری و سهل‌گیری را یک زنجیره دو سره از کنترل در نظر می‌گیرد که سهل‌گیری، میزان خیلی کمی از کنترل را شامل می‌شود و سخت‌گیری، بیشترین میزان کنترل. (نقطه مقابل سخت‌گیری و کنترل)، ملایمت و گرمی والدین قرار دارد که احساسات و جلوه‌های علاقه و مهربانی یک شخص به فرزندانش است (بامریند، ۱۹۹۱، ص. ۱۲).

با توجه به پیشینه و مبانی نظری پژوهش، می‌توان فرضیه‌های زیر را طرح نمود:

- نگرش جوانان به ازدواج بر حسب جنس متفاوت است.
- بین سن و نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی جوانان و نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین ترجیحات ارزشی افراد (مادی‌گرایی، فردگرایی) و نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین دین‌داری و نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.

---

1. Baumrind  
2. Rankin

- بین شیوه‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه یا آزادانه) و نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.

### ۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی، از نظر شیوه اجرا، پیمایشی و از نظر زمانی، مقطعی است که در سال ۱۳۹۸ اجرا شده است. و درصدد تبیین نقش ترجیحات ارزشی، دین‌داری و شیوه‌های فرزندپروری با نگرش جوانان به ازدواج است. جوانان استان آذربایجان غربی (شهرهای ارومیه، خوی، میاندوآب و پیرانشهر) جامعه آماری مطالعه حاضر را تشکیل داده است. از این چهار شهر، ارومیه به‌عنوان مرکز استان آذربایجان غربی انتخاب شده است و سه شهر دیگر بر اساس اطلاعات استانداری و سازمان برنامه و بودجه استان بر حسب تقسیم‌بندی بودجه و معیار برخوردار، نیمه‌برخوردار و کم‌برخوردار به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. اطلاعات مربوط به هرکدام از این شهرها در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. اطلاعات مربوط به جامعه آماری پژوهش

اسامی شهرها	تعداد جمعیت ۱۵-۲۹	مرد	زن
ارومیه	۱۸۶۶۴۵	۹۲۰۶۰	۹۴۵۸۵
خوی	۵۵۹۶۰	۲۷۹۴۴	۲۸۰۱۶
میاندوآب	۳۵۰۰۶	۱۷۵۳۱	۱۷۴۷۵
پیرانشهر	۲۵۷۶۶	۱۲۴۵	۱۳۱۲۱

انتخاب حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران محاسبه شده است. با استناد به آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ و با توجه به اینکه انحراف معیار مربوط به متغیر نگرش نسبت به ازدواج در مطالعه مقدماتی (در شهر ارومیه) انجام یافته ۰/۵۲ و برای سه شهر دیگر ۰/۵۴ برآورد شده است، با قرار دادن مقادیر در معادله

مربوطه، حجم نمونه قابل بررسی برای شهر ارومیه ۴۱۰ نفر و برای سه شهر دیگر ۴۴۲ نفر (۲۱۲ نفر از شهر خوی، ۱۳۲ نفر از شهر میاندوآب، و ۹۸ نفر از پیرانشهر) محاسبه شده است. با توجه به اینکه نمونه‌گیری از کل مناطق چهارگانه انجام شده است، پس از حذف پرسش‌نامه‌های ناقص، ۷۶۱ نمونه مورد بررسی نهایی قرار گرفته است. روش نمونه‌گیری تحقیق حاضر، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. در این نوع نمونه‌گیری، جامعه مورد نظر به چندین لایه تقسیم شد، به طوری که لایه‌های بزرگتر لایه‌های کوچک‌تر را در بر گرفت، سپس از میان لایه‌های بزرگتر چند لایه به صورت تصادفی انتخاب شد.

بنا بر ماهیت موضوع پژوهش و روش انجام آن، از پرسش‌نامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است و سؤالات مربوط به سنجش متغیر وابسته بر اساس پرسش‌نامه استاندارد نگرش به ازدواج تنظیم شده است. برای اندازه‌گیری نگرش به ازدواج در ابعاد چهارگانه آن از «مقیاس نگرش به ازدواج» براتین<sup>۱</sup> و روزن (۱۹۹۸) استفاده شده است. متغیر نگرش به ازدواج با بهره‌گیری از پژوهش رسول‌زاده اقدم (۱۳۹۵) با ۱۲ گویه مورد سنجش قرار گرفته است. برای سنجش متغیر مادی‌گرایی از پرسش‌نامه ریچنز<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) در قالب سه مؤلفه موفقیت، شادی و محوریت استفاده شده است. برای اندازه‌گیری فردگرایی از مقیاس استاندارد شولراف<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) استفاده شده است (شولراف، ۲۰۰۷، ص. ۳۹۴؛ هنرور، ۱۳۹۵، ص. ۴۷). برای سنجش سطح دینداری، ۱۵ گویه در قالب طیف لیکرت با اقتباس از پژوهش‌های پیشین طراحی شده است. برای سنجش سبک فرزندپروری از مقیاس استاندارد بامریند (۱۹۹۱) استفاده شده است. که این پرسش‌نامه شامل ۳۰ سؤال است که ۱۰ سؤال آن به شیوه سهل‌گیرانه، ۱۰ سؤال آن به شیوه مستبدانه و ۱۰ سؤال دیگر به شیوه قاطع و اطمینان‌بخش به امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. برای تعیین پایایی پرسش‌نامه نیز از آلفای

---

1. Brateen & Rosen

2. Richins

3. Sholraf

کرونباخ استفاده شده است. جدول ۲ نتایج مربوط به ارزیابی پایایی شاخص‌های مورد استفاده در تحقیق حاضر را ارائه کرده است که ضرایب آلفای کرونباخ مربوط به گویه‌های هر یک از شاخص‌ها حاکی از پایایی قابل قبول همه شاخص‌ها می‌باشد.

جدول ۲. پایایی متغیرهای پژوهش

متغیر	ابعاد	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
شیوه فرزندپروری	شیوه استبدادی فرزندپروری	۱۰	۰/۷۵
	آزادگذاری مطلق در فرزندپروری	۱۰	۰/۷۱
	اقتدار منطقی در فرزندپروری	۱۰	۰/۷۴
ترجیحات ارزشی	فردگرایی	۱۱	۰/۷۱
	مادی‌گرایی	۱۴	۰/۷۶
دین‌داری			۰/۸۳
نگرش به ازدواج			۰/۷۱

#### ۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی پژوهش بیانگر آن است که دامنه سنی افراد مورد مطالعه، بین ۱۵ تا ۳۰ سال است (لازم به توضیح است که براساس آخرین تقسیم‌بندی گروه‌های سنی، گروه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال جزء گروه سنی جوان محسوب شده) و میانگین سنی آن‌ها ۲۲/۴۵ سال است. همچنین، ۳۳۲ نفر از پاسخ‌گویان مرد (معادل ۴۴/۲ درصد) و ۴۱۹ نفر نیز زن (معادل ۵۵/۸ درصد) هستند. پاسخ‌گویان براساس متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی در بازه بین ۱ و ۶/۶۷ قرار دارند و میانگین این شاخص برابر با ۳/۸۱ (۴۹/۵ درصد) می‌باشد که پاسخ‌گویان براساس پایگاه اقتصادی-اجتماعی در حد متوسط قرار دارند.

براساس جدول ۳، نمره آزادگذاری مطلق فرزندان، اندکی بالاتر از حد وسط طیف است. بدین معنا که پاسخ‌گویان تا حدی مایل به آزاد بودن فرزندان هستند. نمره شیوه استبدادی،

کمی بالاتر از حد وسط طیف است. نمره اقتدار منطقی در فرزندپروری، بالاتر از حد وسط طیف است، بدین معنا که پاسخ‌گویان اعتقاد دارند که باید فرزندان را براساس اقدار منطقی تربیت نمود.

در فردگرایی، نمره پاسخ‌گویان، بالاتر از حد وسط طیف است، بدین معنا که پاسخ‌گویان تا حدودی قائل به فردگرایی هستند. نمره مادی‌گرایی، اندکی کمتر از حد وسط طیف قرار دارد. بدین معنا که پاسخ‌گویان تا حدودی مادی‌گرا نمی‌باشند. در دین‌داری، نمره پاسخ‌گویان بالاتر از حد وسط طیف است، بدین معنا که پاسخ‌گویان تا حدودی دین‌دار هستند. در شاخص نگرش به ازدواج، نمره پاسخ‌گویان، پایین‌تر از حد وسط طیف است؛ بدین معنا که نگرش پاسخ‌گویان به ازدواج، منفی یا بدبینانه است.

جدول ۳. آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته

شاخص	کمینه	میانگین		بیشینه	انحراف استاندارد	چولگی		کشیدگی	
		خطای استاندارد	آماره			خطای استاندارد	آماره	خطای استاندارد	آماره
آزادگذاری مطلق	۱/۴۴	۳/۹۲	۰/۰۲۹	۶	۰/۸۰۶	-۰/۱۶۳	۰/۰۸۹	۰/۱۶۷	۰/۱۷۷
شیوه استبدادی	۱	۳/۸۴	۰/۰۳	۵/۸	۰/۸۴۲	-۰/۳۷۲	۰/۰۸۹	۰/۴۹۳	۰/۱۷۷
اقتدار منطقی	۱/۵	۴/۳۸	۰/۰۲۶	۶	۰/۷۴۳	۰/۰۱۵	۰/۰۸۹	-۰/۲۲۴	۰/۱۷۷
فردگرایی	۱/۱۸	۴/۱۷	۰/۰۲۷	۶	۰/۷۴۲	-۰/۲۰۲	۰/۰۸۹	۰/۵۵۳	۰/۱۷۸
مادی‌گرایی	۱/۹۳	۳/۷	۰/۰۱۹	۵/۶۴	۰/۵۲	-۰/۰۰۶	۰/۰۸۹	۱/۳۸	۰/۱۷۹
دینداری	۱	۴/۰۶	۰/۰۲۹	۶	۰/۸۰۸	-۰/۴۲۹	۰/۰۸۹	۰/۸۹۵	۰/۱۷۹
نگرش به ازدواج	۱/۵	۴/۹۵	۰/۰۲۷	۱۲	۰/۷۶۴	۰/۰۴۷	۰/۰۸۹	۰/۲۷۱	۰/۱۷۷

نتایج جدول ۴ حاکی از آن است که میانگین نمرات پاسخ‌گویان مرد و زن در نگرش به ازدواج با هم متفاوت است و میانگین پاسخ‌گویان مرد (۳/۶۷) کمی بیش‌تر از میانگین پاسخ‌گویان زن (۳/۶۳) می‌باشد و پاسخ‌گویان مرد نگرش مثبت‌تری نسبت به پاسخ‌گویان زن به



ازدواج دارند، اما با توجه به سطح معناداری  $t$  به دست آمده ( $0/165$ )، این تفاوت میانگین بین دو گروه جنسی به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد.

جدول ۴. نتایج آزمون  $t$  نگرش به ازدواج بر حسب جنس پاسخ‌گویان

جنس پاسخ‌گویان	تعداد	میانگین	انحراف معیار	$t$	درجه آزادی	سطح معناداری
مرد	۳۳۱	۳/۶۷	۰/۴۸۳	۱/۳۹	۷۴۸	۰/۱۶۵
زن	۴۱۹	۳/۶۳	۰/۴۵۵			

براساس نتایج جدول ۵، رابطه بین سن پاسخ‌گویان و نگرش به ازدواج با توجه به سطح معناداری ضریب همبستگی که ( $0/855$ ) است، به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. همچنین، طبق نتایج این جدول رابطه بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و نگرش به ازدواج با توجه به اینکه سطح معناداری ضریب همبستگی مربوطه بزرگ‌تر از  $0/05$  است، به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد.

جدول ۵. نتایج آزمون همبستگی نگرش به ازدواج با سن و پایگاه اقتصادی-اجتماعی

رابطه دو متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سن و نگرش به ازدواج	$-0/007$	$0/855$
پایگاه اقتصادی-اجتماعی و نگرش به ازدواج	$0/051$	$0/181$

اطلاعات جدول ۶ بیانگر آن است که بین ترجیحات ارزشی و ابعاد آن (فردگرایی و مادگرایی) با نگرش به ازدواج همبستگی معنادار معکوسی وجود دارد؛ به طوری که با افزایش میزان ترجیحات ارزشی و ابعاد آن، نگرش جوانان به ازدواج، منفی یا بدبینانه می‌شود.

جدول ۶. نتایج آزمون همبستگی نگرش به ازدواج با ترجیحات ارزشی و ابعاد

رابطه دو متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
فردگرایی و نگرش به ازدواج	-۰/۲۸	۰/۰۰۱
مادی گرایی و نگرش به ازدواج	-۰/۳۳	۰/۰۰۲
ترجیحات ارزشی و نگرش به ازدواج	-۰/۴۰	۰/۰۰۰

طبق نتایج جدول ۷، رابطه بین دین داری و نگرش به ازدواج با توجه به این که سطح معناداری ضریب همبستگی مربوطه (۰/۰۰۰) کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد، به لحاظ آماری معنادار می باشد. جهت همبستگی بین این دو متغیر به صورت مستقیم می باشد. بدین معنی که هر چقدر میزان دین داری افزایش می یابد، میزان نگرش به ازدواج نیز مثبت می شود.

جدول ۷. نتایج آزمون همبستگی دینداری با نگرش به ازدواج

رابطه دو متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
دینداری و نگرش به ازدواج	۰/۲۰	۰/۰۰۰

اطلاعات جدول ۸ بیانگر آن است که بین شیوه آزادپرورانه و شیوه استبدادی با نگرش به ازدواج رابطه معنادار معکوسی وجود دارد، این بدین معناست که هر چقدر شیوه فرزندپروری در خانواده ها آزادپرورانه و استبدادی باشد، نگرش به ازدواج نیز منفی می شود، اما بین شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی و نگرش به ازدواج همبستگی مستقیمی وجود دارد؛ یعنی هر چقدر شیوه فرزندپروری در خانواده ها به صورت اقتدار منطقی باشد، نگرش به ازدواج نیز مثبت می شود.

جدول ۸. نتایج آزمون همبستگی شیوه فرزندپروری با نگرش به ازدواج

رابطه دو متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
شیوه آزادپرورانه و نگرش به ازدواج	-۰/۳۸	۰/۰۰۰
شیوه استبدادی و نگرش به ازدواج	-۰/۲۰	۰/۰۰۰

رابطه دو متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
شیوه اقتدار منطقی و نگرش به ازدواج	۰/۲۳	۰/۰۰۰

برای مشخص شدن تأثیر متغیرهای مستقل بر نگرش به ازدواج پاسخ‌گویان از آزمون رگرسیون استفاده شده است. پیش فرض‌های رگرسیونی بیانگر آن است که سطح معناداری آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای متغیر نگرش به ازدواج برابر با ۰/۲۶۷ است که نشانگر آن است که توزیع داده‌های متغیر وابسته نرمال است. تمامی مقادیر آزمون دوربین واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارند که نشان می‌دهد خطاها یا باقیمانده‌ها مستقل از هم هستند. مقادیر به دست آمده از آزمون تولرانس که همگی بالاتر از ۰/۷۰ و نزدیک به ۱ هستند، بیانگر آن است که بین متغیرهای مستقل، همبستگی بالا یا هم خطی وجود ندارد. اطلاعات جدول شماره ۹ بیانگر آن است که ضریب همبستگی چندگانه ۰/۵۷ است و ضریب تبیین نیز ۰/۳۲ است. این بدین معناست که متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۰/۳۲ از واریانس یا تغییرات نگرش به ازدواج جوانان آذربایجان غربی را تبیین کنند. همچنین، متغیرهای مستقل که با استفاده از روش «وارد کردن» وارد مدل رگرسیون پژوهش شده‌اند، توانسته‌اند تأثیر معناداری بر نگرش به ازدواج پاسخ‌گویان داشته باشند. بیشترین تأثیر را به ترتیب متغیرهای شیوه فرزندپروری آزادانه (۰/۳۹-)، مادی‌گرایی (۰/۳۷-)، فردگرایی (۰/۳۱-)، فرزندپروری منطقی (۰/۲۲)، فرزندپروری مستبدانه (۰/۲۱-) و دین‌داری (۰/۲۰) دارند.

جدول ۹. آزمون رگرسیون چندگانه جهت تبیین نگرش به ازدواج

متغیر مستقل	B	Beta	t	Sig	R	R <sup>2</sup>	F	Sig
فردگرایی	-۰/۴۲	-۰/۳۱	-۴/۲۳	۰/۰۰۰	۰/۵۷	۰/۳۲	۱۷/۳۰	۰/۰۰۰
مادی‌گرایی	-۰/۴۴	-۰/۳۷	-۵/۶۸	۰/۰۰۰				
دینداری	۰/۴۳	۰/۲۰	۲/۷۱	۰/۰۰۵				
فرزندپروری آزادانه	-۰/۴۶	-۰/۳۹	-۵/۸۵	۰/۰۰۰				

متغیر مستقل	B	Beta	t	Sig	R	R <sup>2</sup>	F	Sig
فرزندپروری استبدادی	-۰/۳۴	-۰/۲۱	-۲/۷۲	۰/۰۰۴				
فرزندپروری منطقی	۰/۴۷	۰/۲۲	۲/۸۶	۰/۰۰۲				

### ۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های توصیفی پژوهش در خصوص متغیر نگرش به ازدواج بیانگر آن است که میانگین نگرش به ازدواج در بین جوانان استان آذربایجان غربی پایین‌تر از سطح متوسط است. این بدین معناست که بسیاری از جوانان این استان نگاه مثبتی به ازدواج ندارند و نگرش‌شان به ازدواج منفی است.

در همین راستا براساس نظر اینکلهارت، در دهه‌های اخیر میزان حمایت از هنجارهای سنتی فرهنگی کاهش یافته است و پیامدهای آن در کاهش ازدواج افزایش میزان طلاق سقط جنین و... تظاهر یافته است. در سرتاسر جامعه پیشرفته صنعتی شواهدی دال بر فاصله میان مردم و هنجارهای فرهنگی و مذهبی سنتی وجود دارد. زوال ظاهری هنجارهای اجتماعی و مذهبی سنتی با تحول از ارزش‌های مادی به فرامادی در ارتباط است. از دید وی فرامادیون کمتر ازدواج می‌کنند و کمتر به داشتن فرزند علاقه دارند. تئوری ارزش‌های فرامادی، به این می‌پردازد که انتقال جمعیتی ثانویه در کشورهای پیشرفته اتفاق می‌افتد و طی آن باروری به کمتر از حد جانشینی کاهش می‌یابد. این تغییرات باروری در نتیجه تغییرات ارزشی این جوامع را به سمت ارزش‌هایی چون فردگرایی، سکولاریسم و عدم پذیرش قدرت‌های اخلاقی و مذهبی سوق داده است.

نتایج آزمون روابط فرضیه‌های تحقیق آشکار کرد که بین ارزش‌های ترجیحی و ابعاد آن (مادی‌گرایی و فردگرایی) رابطه معنادر منفی وجود دارد. رابطه بین دین‌داری و نگرش به ازدواج نیز مثبت و معنادار شد. همچنین، رابطه میان سبک‌های فرزندپروری و نگرش به ازدواج تأیید شد، اما نتایج تحقیق نشان داد که میانگین نمرات پاسخ‌گویان مرد بیشتر از

پاسخ‌گویان زن در نگرش به ازدواج می‌باشد، اما این تفاوت میانگین بین دو گروه جنسی به لحاظ آماری معنادار نشد. همچنین، نتایج آزمون روابط میان سن و پایگاه اقتصادی-اجتماعی با نگرش به ازدواج، از نظر آماری معنادار نشد.

براساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها تحقیق، دین‌داری یکی از عوامل افزایش میزان نگرش به ازدواج می‌باشد. بدین صورت که هر چقدر میزان دین‌داری بالاتر برود میزان نگرش به ازدواج نیز افزایش می‌یابد. این نتیجه همسو با نتایج تحقیق گروسی و یاری‌نسب (۱۳۹۹)، کاوه و صارم (۱۳۹۶)، حمزه، صوفی، معصومی، و رحیمی (۱۳۹۵)، نیازی، شاطریان، و شفائی مقدم (۱۳۹۴)، رازقی و فلاح‌نژاد (۱۳۹۳)، سرابی و اوجاقلو (۱۳۹۲) و پورافکاری، عنبری روزبهانی، و حکیمی نیا (۱۳۹۲) می‌باشد که جملگی در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که دین‌داری تأثیر مثبتی بر نگرش به ازدواج دارد و افرادی که دین‌دار هستند و اعتقادات مذهبی محکمی دارند، نگرش مثبتی نسبت به ازدواج دارند و معمولاً در سنین پایین اقدام به انتخاب همسر می‌نمایند. همچنین، برای تبیین رابطه میان دین‌داری و نگرش نسبت به ازدواج، باید اذعان داشت که دین نقش محوری و مثبتی در نگرش به ازدواج دارد. دین می‌تواند بخشی بنیادی از روابط زناشویی بسیاری از زوجها باشد و ممکن است ثبات زناشویی در طول دوره زندگی را تحت تأثیر قرار دهد و ارزش‌های دینی نقش مهمی در موفقیت ازدواج و ثبات رابطه دارند. دین و معنویت از عوامل برجسته در تحقق ازدواج سالم می‌باشند. اعتقادات معنوی به عنوان پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی زناشویی و صمیمیت زوجین محسوب می‌شود. براین اساس، دینداری به عنوان عاملی در جهت تقویت نگرش جوانان به ازدواج می‌باشد و جوانان دین‌دار نگرش مناسب و مثبتی نسبت به امر ازدواج دارند.

نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که بین ترجیحات ارزشی و نگرش به ازدواج رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج آزمون فرضیه بعد مادی‌گرایی ترجیحات ارزشی و نگرش به ازدواج حاکی از آن است که اگر افراد نگاه مادی‌گرایانه‌ای داشته باشند، نگرش

آن‌ها به ازدواج نیز منفی خواهد بود. یادگاری (۱۳۹۵)، بالاخانه (۱۳۹۴)، نیز در تحقیقاتی که انجام داده‌اند به این یافته رسیده بودند که رابطه بین مادی‌گرایی و نگرش به ازدواج منفی می‌باشد. بدین معنا، افرادی که نگاه مادی‌گرایانه دارند، معمولاً در سنین بالا ازدواج می‌کنند و نگرش مثبتی نسبت به ازدواج ندارند. همچنین، افرادی که مادی‌گرا هستند، به دلایل اقتصادی و مادی عجله‌ای در ازدواج ندارند و به امر ازدواج با عینک اقتصادی می‌نگرند. همچنین، باید اذعان داشت که در جامعه ما مادی‌گرایی میزان رغبت جوانان به ازدواج را کاهش داده و موجب شده تا جوانان نگرش منفی نسبت به امر ازدواج داشته باشند. همچنین، نتیجه آزمون فرضیه‌ها بیانگر آن بود که فردگرایی تأثیر معکوسی بر نگرش به ازدواج نزد جوانان دارد و افرادی که تا حدودی فردگرا هستند، به امر ازدواج نگرش منفی دارند. فردگرایی عبارت است از، گرایش ذهنی و رفتاری که به خود مختاری فرد منجر می‌شود و خواسته‌های فردی از اهداف و خواسته‌های دیگران برایش مهمتر هستند (امامی، هاشمیان‌فر، و حقیقتیان، ۱۳۹۷، ص. ۲۳۶). جورجیا<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) ترجیح خواسته‌های فردی بر ارزش‌های جمع‌گرایانه خانواده را فردگرایی می‌داند. تورنتون (۲۰۰۱) نیز معتقد است که فردگرایی اساس تغییر خانواده در کشورهای صنعتی و دیگر نقاط جهان است (احمدی، قاسمی، و کاظمی‌پور، ۱۳۹۱، ص. ۸۲). همچنین، گسترش فردگرایی به عقاید و نگرش‌هایی برای تنها زیستن، هم‌خانگی، طلاق، بالا رفتن سن ازدواج، نگرش منفی به ازدواج و غیره منجر شده است (رستگار خالد و محمدی، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۳). به نظر گیدنز، با ظهور فردگرایی، خانواده به عنوان دنیای خصوصی تعریف می‌شود و بسیاری از الگوهای خانوادگی سنتی تغییر می‌یابند (سفیری، کوهی، و عبدی، ۱۳۹۷، ص. ۲۲) در این زمینه، هارپر (۲۰۱۰) در پژوهش خود نشان داد که فردگرایی منجر به کاهش نگرش سنتی به ازدواج می‌شود. همچنین عباس‌زاده، سعیدی عطایی، و افشاری (۱۳۹۴) نیز در پژوهش‌شان نشان دادند که با افزایش میزان فردگرایی تمایل افراد به طلاق افزایش می‌یابد.

نتیجه آزمون فرضیه رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با نگرش به ازدواج نشان داد که بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. در تحقیق حاضر، سبک‌های فرزندپروری در سه بعد سنجیده شده بود که نتایج تحقیق حاکی از آن بود که بعد آزادگذاری مطلق فرزندان و شیوه استبدادی فرزندپروری تأثیر منفی و بعد اقتدار منطقی تأثیر مثبت و معناداری بر نگرش به ازدواج نزد جوانان دارد که این یافته با یافته آقاسی و فلاح مین‌باشی (۱۳۹۴) تا حدودی همخوان می‌باشد، اما نتایج تحقیق کاوه فیروز و صارم (۱۳۹۶) نشان داده بود بین متغیرهای مذکور رابطه معناداری وجود ندارد که با نتایج تحقیق حاضر ناهمخوان می‌باشد. همچنین، اندیشمندان معتقد هستند که نحوه فرزندپروری در افکار و رفتار یک فرد و به تبع در نگرش فرد تأثیر زیادی دارد. چنانچه، سبک‌های فرزندپروری نقش مهمی در رشد روانی و پیشرفت‌های اجتماعی فرزندان، روابط خانوادگی، موفقیت‌های تحصیلی، توانایی تصمیم‌گیری و اعتماد به نفس دارد. حتی اندیشمندان بر این باورند که شیوه‌های پرورش کودک تأثیر مهمی در نقش‌های فردی افراد در ازدواج دارد. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که شیوه فرزندپروری استبدادی تأثیر منفی بر نگرش به ازدواج دارد. در همین راستا باید عنوان کرد که والدین به شیوه مستبدانه فرزند خود را تربیت می‌کنند، فرزندان را محدود کرده، به آن‌ها آزادی و اختیار کمتری می‌دهند. آن‌ها بر این باورند باید رفتار فرزندان‌شان را دیده‌بانی کنند که نتیجه این امر آن است که معیارهای رفتاری که از قبل برای فرزندان تعریف کرده‌اند، انعطاف‌ناپذیر و یک طرفه می‌شود. بر این اساس، جوانانی که والدین‌شان آن‌ها را به شیوه مستبدانه تربیت نموده، نگرش منفی به امر ازدواج دارند. همچنین، براساس نتایج تحقیق، فرزندپروری به شیوه آزادگذاری مطلق نیز تأثیر منفی بر نگرش به ازدواج دارد. در این نوع فرزندپروری، والدین هیچ کنترلی بر فرزندان‌شان ندارند و حتی گاهی چنان مدارای زیادی با آنان می‌کنند که منجر به اهمال و مسامحه می‌شود. تحت این شرایط، فرزندان تبدیل به افرادی با اقتدار/ قدرت زیاد می‌شوند و اعضای دیگر خانواده بدون قید و شرطی از آنان اطاعت می‌کنند. در چنین خانواده‌هایی فرزندان آنچنان که دوست دارند رفتار می‌کنند و

نسبت به امور مربوط به خود و جامعه نگرش مناسبی ندارند و جوانانی که به سبگ کاملاً آزاد تربیت شده‌اند، نسبت به زندگی مشترک و ازدواج نگرش مثبتی نخواهند داشت. در نهایت، نتایج این تحقیق نشان داد که اقتدار منطقی در فرزندپروری تأثیر مثبتی بر نگرش به ازدواج دارد. فرزندان که در خانواده‌هایی مقتدر (اقتدار منطقی) رشد می‌کنند، انرژی و قدرت خلاقیت مثبتی به دست آورده و میزان اعتماد به نفس آنان در سطح بالایی است. والدین اقتدارگرا رویکرد ثابتی نسبت به فرزندان خود دارند که این رفتار ثابت، یاری‌گر جوانان در ایجاد و پرورش اعتماد به نفس است. در این خانواده‌ها، فرزندان از رفتارهای درست و نادرست مطلع‌اند، تلاش آنان برای تصمیم‌گیری مستقل مورد تشویق قرار گرفته و محترم شمره می‌شود و والدین اغلب عقاید و نقطه نظرات فرزندان را در تصمیمات مربوط به امور خانواده جویا هستند. بر همین اساس، جوانان رشد یافته در چنین خانواده‌هایی نگرش مثبتی به زندگی و به طور اخص به ازدواج خواهند داشت.

#### کتاب‌نامه

۱. احمدی، و.، قاسمی، و.، کاظمی‌پور، ش. (۱۳۹۱). بررسی نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه‌شناختی خانواده، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۰(۱)، ۱۰۲-۸۱.
۲. ادهمی، ج.، احمدی، ی.، جعفری، ا. (۱۳۹۶). بررسی ترجیحات ارزشی بین نسلی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهر سمنان. *فصل‌نامه علوم اجتماعی*، ۲۶(۷۸)، ۱۱۷-۱۱۷.
۳. آزادارمکی، ت.، شریفی‌ساعی، م. ح.، ایناری، ، طالبی، س. (۱۳۹۱). همخانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۳(۱)، ۷۷-۴۳.
۴. آزادارمکی، ت.، زارع، م. (۱۳۸۷). دانشگاه، مدرنیته و دین‌داری. *پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی*، ۸(۱)، ۱۶۰-۱۳۳.
۵. اعظم‌زاده، آ.، توکلی، ع. (۱۳۸۶). فردگرایی، جمع‌گرایی و دین‌داری. *فصل‌نامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۹(۹)، ۱۲۶-۱۰۱.



۶. افشارکهن، ج.، رضائیان، م. (۱۳۹۷). مقایسه بین نسلی رابطه نظام ارزشی افراد و نگرش به پایداری خانواده. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۵(۱۲)، ۲۹۳-۳۲۶.
۷. آقاسی، م.، فلاح مین‌باشی، ف. (۱۳۹۴). نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده. *پژوهش‌نامه زنان*، ۶(۱)، ۲۱-۱.
۸. امامی، پ.، هاشمیان‌فر، س. ع.، حقیقتیان، م. (۱۳۹۷). تبیین رابطه مدرنیته و خانواده‌گرایی در شهر اصفهان. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۵(۱۱)، ۲۵۱-۲۲۷.
۹. اینگلهارت، ر. (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جوامع صنعتی*. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر.
۱۰. بالاخانه، ف. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج دختران شهرکاشان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشرشده علوم اجتماعی. دانشگاه کاشان، ایران.
۱۱. بشیری خطیبی، ب.، باصری، ع.، راد، ف.؛ هاشم زهی، ن. (۱۳۹۹). مطالعه جامعه‌شناختی مجردگزینی جوانان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات). *مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*. ۹(۴)، ۸۷۹-۹۰۶.
۱۲. پور افکاری، ن.، عنبری روزبهانی، م.، حکیمی‌نیا، ب. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و نگرش به ازدواج (مطالعه موردی دانشجویان دختر ۲۵-۱۸ ساله دانشگاه اصفهان). *علوم اجتماعی*، ۷(۲۱)، ۷۳-۹۸.
۱۳. تریاندیس، ه. (۱۳۷۸). *رفتارهای اجتماعی مطلوب از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه رضوان صدقی‌نژاد. تهران: گل‌آذین.
۱۴. رازقی نصرآباد، ح. ب.، فلاح نژاد، ل. (۱۳۹۶). تفاوت‌های نسلی ارزش ازدواج (مورد مطالعه شهر هشتگرد). *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۹(۷۵)، ۸۴-۶۳.
۱۵. رستگارخالد، ا.، محمدی، م. (۱۳۹۴). تغییرات فرهنگی و افت باوری در ایران (بر پایه تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶(۸۵)، ۱۸۰-۱۵۹.
۱۶. رسول زاده اقدم، ص.، عدلی پور، ص.، محمدی، م. (۱۳۹۵). تحلیل تماتیک موانع و مشکلات پیش روی ازدواج جوانان، دومین همایش ملی سبک زندگی و خانواده پایدار، آذر ۱۳۹۵، تهران.

۱۷. سرایی، ح.، سجادی، ا. (۱۳۹۲). مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران: مطالعه موردی: زنان شهر زنجان. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۵(۴)، ۱۹-۴۱.
۱۸. سفیری، خ.؛ کوهی، ک.؛ عبدی، ر. (۱۳۹۷). تأثیر مصرف کالاهای فرهنگی بر تغییر ارزش ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه تبریز، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۸(۱)، ۳-۲۸.
۱۹. صادقی، رضایی، م. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر جهت گیری های ارزشی-فرهنگی بر نوع نگرش به ازدواج جوانان در شهر تهران. *مجله مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۸(۴۵)، ۱-۳۰.
۲۰. صباغچی، م.، عسکری ندوشن، ع.، ترابی، ف. (۱۳۹۶). عوامل تعیین کننده نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد. *مطالعات جمعیتی*، ۳(۱)، ۱۶۲-۱۳۱.
۲۱. عباس زاده، م.، سعیدی عطایی، ح.، افشاری، ز. (۱۳۹۴). مطالعه برخی عوامل جریان مدرنیته مؤثر بر گرایش زنان به طلاق (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر زنجان). *پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ۴(۱)، ۲۵-۴۴.
۲۲. عدلی پور، ص. (۱۳۹۸). *مطالعه نقش فرایند نوسازی در تغییر و تحولات خانواده (مورد مطالعه: خانواده های شهر تبریز)*. رساله منتشر شده دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه. دانشگاه تبریز، ایران.
۲۳. کاوه فیروز، ز.، صارم، ا. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر مؤلفه های سبک زندگی بر نگرش دختران مجرد در باب ازدواج (مطالعه شاغلان دانشگاه علوم پزشکی شیراز). *مسائل اجتماعی ایران*، ۲۱(۲)، ۷۳-۹۶.
۲۴. گروسی، س.، یاری نیسب، ف. (۱۳۹۹). تفاوت نسلی نگرش به ارزش های ازدواج و عوامل مؤثر در آن در زنان ساکن شهر یاسوج. *مجله مطالعات راهبردی زنان*، ۲۲(۸۷)، ۱۴۹-۱۳۱.
۲۵. نیازی، م.، شاطریان، م.، شفائی مقدم، ا. (۱۳۹۴). بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان). *جامعه پژوهی فرهنگی*، ۶(۲)، ۲۷-۵۸.
۲۶. نیکخواه، ه.، فانی، م.؛ اصغرپور ماسوله، ا.ر. (۱۳۹۶). سنجش نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر در آن. *مجله جامعه شناسی کاربردی*، ۲۸(۶۷)، ۹۹-۱۲۲.
۲۷. هنرور، ح. (۱۳۹۵). *بررسی ردپای اکولوژیک مصرف و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: شهروندان ارومیه)*. رساله منتشر شده دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه. دانشگاه تبریز، ایران.

۲۸. یادگاری، ا. (۱۳۹۵). سنجش نگرش دختران نسبت به سن ازدواج و شناخت عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر آن در شهر کرج. پایان‌نامه منتشر شده کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. مؤسسه آموزش عالی البرز. کرج، ایران.

29. Baumrind, D. (1991). Parenting styles and adolescent development. In R. M. Lerner, A. C. Peterson, & J. Brooks-Gunn, (Eds.), *Encyclopedia of adolescence* (Vol. 2, pp. 746-758). New York: Garland Publishing, Inc.
30. Beck, U, Beck-Gernsheim, E. (2001). *Individualization: Institutionalized Individualism and its Social and Political Consequences*. London: Sage.
31. Braaten, E. B., & Rosén, L. A. (1998). Development and validation of the Marital Attitude Scale. *Journal of Divorce & Remarriage*, 29 (3-4): 83-91.
32. Chen, X., Liu, M., & Li, D. (2000). Parental warmth, control, and indulgence and their relations to adjustment in Chinese children: a longitudinal study, *Journal of Family Psychology*, 14 (3): 401-419.
33. Chow, N. & E. Lum, (2008). Trends in family attitudes & values in Hong Kong. Final Report Submitted, The University of Hong Kong.
34. Darling, N. (1999). Parenting style and its correlates. Clearinghouse on Elementary and Early Childhood Education. Retrieved from <http://www.eric.ed.gov/PDFS/ED427896.pdf>
35. Georgas, J, Berry, J. W, Fons, J. R, van de Vijver, Kagitçibasi, Ç, Poortinga Y. H. (2006). *Families Across Cultures: A 30-Nation Psychological Study*. Uk: Cambridge University Press.
36. Georgas, J. (1989). Changing family values in Greece: from collectivist to individualist, *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 20 (1): 80-91.
37. Giddens, A. (1992). *The Transformation of Intimacy: Sexuality, Love and Eroticism in Modern Societies*, Stanford University Press.
38. Gillies, V. (2003). *Family and intimate relationships: A review of the sociological research*. London: South Bank University.
39. Gubernskaya, Z. (2010). Changing Attitudes toward Marriage and Children in Six Countries, *Sociological Perspectives*, 53(2):179-200.
40. Harper, M. S. (2010). The Relationship Between Individualistic Attitudes and Attitudes Towards Traditional Marriage in Contemporary American Society.
41. Kalogeraki, S. (2009). The divergence hypothesis in modernization theory across three European countries: the UK, Sweden and Greece, *Culture Unbound: Journal of Current Cultural Research*, Vol.1, pp: 161-178.
42. Makiko, M. (2014). Work-family Conflict and Attitudes toward Marriage, *Journal of Family Issues*, 35(6): 731-754.

43. Pong, S., Hao, L. & Gardner, E. (2005). The roles of parenting styles and social capital in the school performance of immigrant Asian and Hispanic adolescents. *Social Science Quarterly*, 86 (4): 928-950.
44. Rankin, J. L. (2005). *Parenting experts: Their advice, the research, and getting it right*. Westport, CT: Praeger Publishing.
45. Ree, E., Uleman, J. S., Lee, H. K. (1996). Variations in Collectivism and Individualism by Ingroup and Culture: Confirmatory Factor Analyses. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71 (5): 1037-1054.
46. Richins, M. (2004). Special Session Summary the Positive and Negative Consequences of Materialism: What Are They and When Do They Occur?. *ACR North American Advances*.
47. Sandy, M. (2010). *Parenting Styles of Hmong Parents and its Effects and Contributions to Hmong Student's Academic Achievement*, Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Master of Science Degree, School Counseling.
48. Tomas, M. C. (2013). Reviewing family studies: A brief comment on selected topics. *Revista Brasileira de Estudos de População*, Vol.30, No.1, pp: 171-198.
49. Triandis, H. C., Bontempo, R., Villareal, M. J. (1988). Individualism and Collectivism: Cross-Cultural Perspectives on Self-Ingroup Relationships, *Journal of Personality and Social Psychology*, 54 (2): 323-338.
50. Wang, Y. T., & Yang, W. S. (2019) Changes and Trends in Family Structure in Taiwan, 1990 to 2010. *Journal of Family Issues*, 40 (14), 1896-1911.